

اتفاق بیفتد، اشکال ندارد.

• اگر می‌گفت حاجی دارید به من تهمت می‌زنید و مقاومت می‌کرد، چه کار می‌کردید؟

○ جورابچی: می‌زدمش.

• معلمان و مدرسه‌ها الان اعتقاد دارند نباید بچه‌ها را بزنیم. در این باره چه توضیحی دارید؟

○ جورابچی: این‌ها خائن به مملکت هستند. تنبیه بدنی گناه کبیره نیست. گاهی جواب می‌دهد. به‌خصوص اگر از سر دلسوزی باشد. بچه‌های امروز بالاخره باید از کسی حساب ببرند. ما از سر دلسوزی فرصت می‌دهیم جوان خود را نابود کند!

• یعنی شما به تنبیه بدنی در شرایط نیاز باور دارید؟

جورابچی: حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: تنبیه کنار تشویق.

• تنبیه بدنی؟

○ جورابچی: تنبیه دیگر. حالا هر چه که شما دوست دارید، تسری بدهید. جایی که باید تشویق کرد، باید تشویق شود و به خاطر کار بدش هم از تشویق نباید محروم شود.

• شما گفتید الان مسئله جدی آسیب اجتماعی بچه‌ها ارتباط با جنس مخالف است؟

○ جورابچی: یکی از مشکلات است.

• گفتید مهم‌ترین آن‌هاست. این مسئله را چگونه کشف می‌کردید؟ و اصلاً ماجرای شرعی مسئله ارتباط با جنس مخالف به کنار،

از لحاظ آموزشی و رفتاری در روحیه بچه‌ها این جریان اثر می‌گذارد؟

○ جورابچی: صد در صد. پسرهایی که گرفتار روابط جنسی می‌شوند، معمولاً خیلی زود مشخصات بارز شخصیتی و علمی خود را از دست می‌دهند. البته استثنا هم دارد. اما از ظاهر پسر ها خیلی چیزها پیدا می‌شود. دسترسی به فضای مجازی هم مهم است. اما دهه قبل این موضوع جدی نبود.

• چه اثری می‌گذارد؟

○ جورابچی: شما وظیفه دارید در فاصله‌هایی زمانی برای بچه‌ها مشکلات این موضوع را بگویید. خیلی‌ها می‌گویند نگویید. من می‌گویم بگویید. بخشی از مباحث علنی را عمومی بگویید. برای بچه‌های مسئله‌دار خصوصی و رک و عریان حرف بزنید.

• شما آسیب‌های اجتماعی را هم تعریف می‌کردید و هم منطق آن‌ها را توضیح می‌دادید؟

○ جورابچی: بله. توضیح می‌دادم که ممکن است به چه بیماری‌های خطرناکی مبتلا شوند. لطمه‌های عاطفی و روانی مسئله را هم می‌گفتم. خطر آسیب‌های خانوادگی را متذکر می‌شدم.

• اگر بچه‌ای تا حالا اصلاً هیچی ندانسته باشد و به‌واسطه گفتن این حرف‌ها ذهنش درگیر شود، چه کار می‌کنید؟

○ جورابچی: آن دانش‌آموز حمال است. شوخی می‌کنید؟! چند درصد بچه‌ها از مسائل جنسی بی‌خبرند؟ الان همه استاد من و شما هستند!

• یعنی چه حامل است؟

○ **جوابچی:** آفرین. یکدفعه من به دانش‌آموزی توهین کردم و در ضمن، یکی از موارد غیراخلاقی را توضیح دادم که در اتوبوس حواست به بعضی از حرکات‌ها باشد. می‌خواستم به دانش‌آموز تعرض نشود. مادر دانش‌آموز آمد داد و بیداد کرد که چرا به بچه‌اش توهین کرده‌ام و برخی موارد را توضیح دادم! گفت شما بدآموزی دارید. بچه نباید استریل بماند. اگر چه وظیفه پدر بی‌لیاقتش بود که به پسر دوازده‌ساله‌اش این چیزها را یاد بدهد، ولی کم‌کاری او مانع عمل درست من نمی‌شود!

• از چه سنی باید از این مسائل آگاه شوند؟

○ **جوابچی:** از پنج‌سالگی. اگر می‌خواهید راحت باشند، قدم به قدم، با رعایت مباحث روانی.

از کجا بفهمیم پسری دوست‌دختر دارد؟

○ **جوابچی:** قبل از این دو نکته بگویم. مدیری را که دفترش دور از بچه‌ها باشد، من اصلاً با او کاری ندارم. شما الان از دفتر مدرسه‌ات می‌توانی همه حیات را ببینی. من را گذاشتند بازرسی مدرسه‌های غیرانتفاعی سما. دو ماه که رفتم، به آقای دکتر جاسبی نوشتم، من دیگر نمی‌آیم. گفتم مدیر مدرسه را می‌خواستم پیدا کنم، دفتر مدیر آخر سالن با پرده‌های کشیده شده بود تا بچه‌ها را نبیند. من باید با کشیدن پرده به کنار، سیر تا پیاز بچه‌ها را ببینم. وظیفه من این است که بچه‌ها را ببینم، نه اینکه قایم شوم. این‌ها مهم هستند. وقتی بین بچه‌ها هستی، صدای بچه‌ها را هم می‌شنوی. ماجرای مدیریت از همین‌جا آغاز می‌شود.

• این قدم اول بود. حالا چگونه می‌فهمید یک دانش‌آموز پسر دوست‌دختر دارد؟

○ **جوابچی:** خیلی راحت. آن‌هایی که کمتر راجع به جنس مخالف صحبت می‌کنند، دوست‌دختر دارند. چون دارند و همه چیز را می‌دانند. آن‌هایی که مرتب سؤال‌های متفرقه می‌پرسند تا به آن سؤال اصلی برسند، دوست‌دختر ندارند. این اول مسئله است. بعد ببینید ظاهر جوان چگونه است. سعی کنید به فضای مجازی جوان‌ها دسترسی داشته باشید. کم‌کم به احوالات بچه‌ها نزدیک می‌شوید. البته واکنش متولیان او هم نباید با انفجار و عصبانیت باشد. این روزها خیلی بیشتر مراقب همجنس‌گرایی باشید. امروزه مسئله جدی ما این است و بین دخترها و پسرها رواج پیدا کرده است. در مواقعی خاص مجبوریم بین بد و بدتر، انتخاب کنیم. البته من نمی‌خواهم به اشتباه افراد مشروعیّت بدهم.

• برگردیم به موضوع. اولین ضربه‌ای که دانش‌آموز از اختلاف پدر و مادرش می‌خورد چیست؟

○ **جوابچی:** شب، پیش کدامیک از والدین باید بخوابد؟ نکته‌ای بگویم و اینکه خواهش کنید بچه را یکی از والدین بزرگ کنند. خواهش کنید، التماس کنید فقط زیر نظر پدر باشد یا مادر. زمانی خانواده با هم درگیرند، اختلاف بالا می‌رود. بعد متوجه می‌شوید بچه آن‌ها را به جان هم انداخته است. یک هفته پیش مادر و یک هفته هم پیش پدرش است. از هر دو طرف پول می‌گیرد و به نفع خودش اختلاف می‌اندازد تا منفعت ببرد. تازه زن و شوهر بعد از پنج سال فهمیده‌اند از فرزند خودشان آسیب می‌دیدند.

• شما با آن بچه چه کار کردید؟

○ **جوابچی:** دو حالت دارد. یا باید برود یا تابع آن‌ها باشد. یعنی مدرسه نباید بازیچه بی‌مبالاتی والدین و زرن‌گبازی بچه قرار گیرد. بچه‌های این‌طوری، گاهی با راه‌انداختن باند و گروه خلافکار در مدرسه خلأ خانوادگی خود را پر می‌کنند. چون خودش را و بی‌سرپرست است، تعدادی نوجوان شبیه خود را سامان‌دهی می‌کند و ناگهان مدیر متوجه می‌شود بچه‌ها دانه‌دانه دارند سیگاری می‌شوند، یا عصرها در خانه‌ای خالی با دخترها و پسرهای دیگر مشغول‌اند.

• اولین توصیه شما به پدر و مادرهایی که از هم جدا شده‌اند چیست؟

○ **جوابچی:** مهم‌ترین توصیه من این است که لطفاً این بچه زیر نظر یکی از والدین باشد. حتی اگر روان‌شناس گفته باشد که با دو والد وقت بگذراند. متأسفانه من به گفته خیلی از روان‌شناسان اعتقادی ندارم.

• چرا؟

○ **جوابچی:** یک خانمی بود هر روز ساعت ۱۰ صبح می‌آمد، يك چیزی برای بچه می‌آورد که بخورد. پرسیدم، خانم، این چیست که شما هر روز صبح ساعت ۱۰ باید به بچه بدهید تا بخورد؟ خانواده پولدار و کارخانه‌دار بودند. گفت حاج‌آقا این قرص را آقای ... روان‌پزشک مطرح برای پسر من تجویز کردند که باید هر روز به‌موقع بخورد. اگر این قرص را نخورد، خودش را از پشت‌بام پرت می‌کند. این صحبت برای سال ۱۳۶۷ است. ویزیت در آن زمان صد تومان بود. گفتم برای من سخت است شما هر روز بیایید و برگردید. یک بسته از قرص را به من بدهید، قول می‌دهم سر وقت به پسران بدهم. مادر بچه هم خوش‌حال شد و محصول کارخانه‌شان را به‌عنوان هدیه به من داد. من هم یک بسته اسمارتیس خریدم گذاشتم دفتر. هر روز ساعت ده صبح بچه را صدا می‌کردم، یک اسمارتیس می‌دادم می‌خورد و می‌رفت. بچه هم درس‌خوان بود. پایان سال، بعد از کارنامه، بسته قرص را دادم دست بچه و مادرش و گفتم بچه خودش قبول است. این هم بسته قرصی که به من داده بودید و در حلقوم بچه می‌کردید! گفت پس چرا خودش را پایین پرت نکرده بود. گفتم بروید به روان‌پزشک بگویید ویزیت یک سال را از من بگیر، ولی بچه را ال‌کمدار نکن. گاهی برخی روان‌پزشک‌ها یا روان‌شناس‌ها کم‌دقت، بدون پیگیری و کم‌سواد هستند. البته همه نه، گاهی روان‌شناسان نادانی هستند. روان‌شناس اصلی شما هستید نه او.

• من چگونه می‌توانم روان‌شناس خوبی باشم؟

○ همان کاری را بکنید که من از روی تجربه کردم. نمی‌خواهم به تجربه خودم حجت کامل بدهم، اما چون وقت می‌گذاشتم و مطالعه می‌کردم و با افراد خبره تبادل نظر می‌کردم، تصور می‌کنم از خیلی مشاوران موفق‌تر بودم.

• پدر و مادر بچه‌ای از هم جدا می‌شوند، شما برای این بچه چه کار می‌کنید؟

○ **جوابچی:** اول با پدر و مادر وقت بگذارید. بعد از وقت تعطیلی هم بچه را دعوت کنید و با طرفین صحبت کنید.

• این بخش جزو وظیفه مدرسه است؟

○ **جوابچی:** اگر بچه‌ای شب به شما پناه آورد، اگر جایی نداشت، باید در مدرسه به بچه جا دهید و بدون اینکه بچه متوجه شود، به والدینش اطلاع دهید. من برای مدیر مدرسه نقش فوق‌العاده‌ای قائلم. مدیر فرد اصلی مدرسه است و وظایف سختی بر عهده دارد.

• اشکال قانونی ندارد؟

○ **جوابچی:** کدام قانون، بچه از بین می‌رود. شما دنبال قانون می‌گردید؟ آنچه حاکم است و شما پشت میز آن قرار گرفته‌اید قانون است.

• در سال‌های مدیریتتان آیا تویخ قانونی هم شده‌اید؟

○ یک مورد. در نهایت هیچ اتفاقی نیفتاد؛ نوشتند تویخ بدون درج در پرونده. پشت میز که می‌نشینید، باید پی همه‌چیز را به نتان بزنید. نترسید. به بچه نزدیک شوید، محبت کنید، او را مشغول کنید. کار دیگری از شما بر نمی‌آید. اما اگر درست عمل کنید، بچه‌های خوب شکوفا می‌شوند و نوجوان‌های مشکل‌دار اصلاح می‌شوند. اما لازمه آن این است که غروب مدرسه را درک کنید.

• این بچه‌ها را احیاناً به مشاور ارجاع دادید؟

○ جورابچی: اصلاً.

• هیچ مشاوره‌ای را قبول ندارید؟

○ جورابچی: قبول دارم. در مدرسه خودم سه مشاور داشتم. خیلی کم از آن‌ها استفاده می‌کردم. در مدرسه‌های دولتی مشاوران چندان باسواد نیستند. یعنی از جاهای دیگر برای استراحت از تدریس می‌آمدند.

• حاج‌آقا بین دانش‌آموزان مورد خودکشی داشتید؟

○ جورابچی: اصلاً نداشتیم. فقط یک دانش‌آموز داشتیم که خانواده‌اش خیانت کردند. یک دانش‌آموز داشتم صرع داشت. هیچ‌کس نمی‌دانست. خانواده به ما اطلاع نداده بود. در طبقه دوم مراسمی داشتند که بالکن هم داشت. وقتی مراسم تمام می‌شود، متأسفانه معاون آنجا بود و شایعه کردند معاون دانش‌آموز را به پایین هل داده است. چون آن مدرسه به من مربوط بود، در ختم این بچه شرکت کردم. معاون هم در بازداشت بود. در مراسم ختم آقای کنار من نشسته بود. بعداً متوجه شدم دایی بچه است. گفت چقدر به مادرش گفتم به مدرسه بگو که بچه صرع دارد، گوش نکرد. بچه در اثر حمله صرع به پایین پرت شده بود. نه، نه، نه. اصلاً من خودکشی دانش‌آموز در مدرسه یا بیرون از مدرسه را تجربه نکردم. در سال‌های اخیر خودکشی بیشتر شده است. مواجهه با مسئله خودکشی یک امر کاملاً کارشناسی و تخصصی است که نمی‌توان در آن بی‌گدار به آب زد. در برابر مسائلی که در مملکت رایج می‌شوند، برعکس رودخانه شنا نکنید. مشکلی که من داشتم، با مجموعه‌های تلویزیونی بود. یک کلمه یا جمله ای در فیلم‌ها رایج می‌شود و بچه‌ها آن را در یک هفته و نهایت دو هفته تکرار می‌کنند. بگذارید بگویند تا تمام شود. اگر مقاومت کنید، اگر بفهمند به این قضیه حساسیت دارید، کار تمام است و تا قیامت آن جمله را تکرار می‌کنند. باید ندید بگیرید تا زود قطع شوند و تکرار نشوند. تا جایی که می‌شود، ندید بگیرید. امروز بچه‌ها از اینستاگرام و ترانه‌ها، برخی عبارت‌ها و رفتارها را الگوبرداری می‌کنند. مواظب باشید اما جوش نیاورید. با برگه‌های تعهد انضباطی خیلی کار نکنید. حذفشان کنید، چون جواب نمی‌دهند و مدیر خراب می‌شود.

• با مشکل کشیدن سیگار بین بچه‌ها چگونه برخورد می‌کنید؟

○ جورابچی: قضیه سیگار را بین بچه‌ها داریم. نشسته بودم، یک بچه را دیدم که سیگار می‌کشید. تا من را دید، سیگار روشن را داخل جیب شلوارش گذاشت؟! گفتم پسر، سیگار را از حیث بیرون بیار، بدنت می‌سوزد. روی سیگار هم حساسیت نشان ندهید. تذکر بدهید و حرف بزنید. اما فکر نکنید دنیا به آخر رسیده است. رئیس کارخانه زاکس آلمان بچه‌اش پیش ما بود. سراسیمه داخل آمد. گفت حاج‌آقا ممد را در خیابان در حال سیگار کشیدن دیدم. گفتم الان همه چیزهای بدتری می‌کشند. در حال سکت کردن بود. گفتم موقع ناهار غیرمستقیم متوجهش کن که سیگاری ریه را داغون می‌کند و ... وقتی به بچه بگویند بزن به دریا، می‌زنند به کوه. وقتی بگویند بزن به کوه، می‌زنند به دریا. این نکته را یادتان نرود. به دزد که نباید گفت دزدی کرده‌ای. قبول نمی‌کند. به جایش باید بگویند چگونه دزدی می‌کنید؟ خیلی ساده اعتراف می‌کنند. اما نباید جوان را با خطایش رها کرد. او نیازمند اعتمادسازی و گفت‌وگو و توجه مقتدرانه پدر است. روزی دانش‌آموزی آمد در مدرسه دولتی گفت کاپشنم را یک و دوپست خریده‌ام و یکی از بچه‌ها آن را از من دزدیده است. این قضیه باعث شد در دوره متوسطه کت و شلوار یا لباس یکسان بپوشند. گشتم و فقیرترین دانش‌آموز مدرسه را پیدا کردم. بعد از مدرسه سر کار می‌رفت. به او گفتم تو کاپشن را برداشتی، نگفتی بدهم اتوشویی، حالا می‌پوشی و بیماری پوستی می‌گیری! گفت واقعا؟ گفتم بله. بیار بدهم اتوشویی. آورد دادم اتوشویی. بعد کسی که کاپشنش را برده بودند پرسید کاپشن مرا پیدا کردی؟ گفتم بله. گفتم این بچه هوس کرد و من هم دادم به یک دانش‌آموز.

• به دزدی عادت نمی‌کند؟ قصه حق الناس چی می‌شود؟

○ جورابچی: نه متوجهش کردم. مدتی بعد نشستیم و با او حرف زدیم. البته آن نفر دیگر هم نباید کاپشن خیلی گران می‌آورد. بعد که متوجه اشتباهش شد، کاپشن را قبول نمی‌کرد.

پدر یکی از دانش‌آموزانم از مکه یک تلویزیون کوچک برای بچه‌اش آورده بود. بچه هم برای پزدادن تلویزیون را به مدرسه آورده بود. بچه یک قاضی مملکت آن را دزدید، برد خانه. خلاصه پیدا کردم. فهمیدم چه کسی است. بابای بچه را گفتم بیاید مدرسه. گفتم متأسفم برای قاضی مملکت. گفتم تلویزیونی که پسررت آورده خانه، دزدی است. پدرش گفت نه، برای پسر من است. گفتم شما آدم فرهیخته‌ای هستید. این تلویزیون‌ها سریال دارد. جعبه آن پیش من است و سریال پیش شما. چک کنید و ببیند صحت دارد یا خیر؟! سریال آن جعبه با این یکی است. مگر می‌شود در دنیا کارخانه ۱۰ هزار قلم جنس با یک سریال بزند؟ قاضی هستید، استعلام کنید، این سریال یا تکرار می‌شود یا نمی‌شود.

اگر می‌خواهید در مدیریت موفق باشید، همه‌چیز را ثابت کنید و پیگیر باشید.

• شما هیچ وقت هیچ دانش‌آموز را به خاطر جرمی مثل دزدی به کلانتری ارجاع دادید؟

○ جورابچی: نه کار را خراب‌تر می‌کند. ابدأ این کار را نمی‌کنم. کلانتری مگر بالاتر از مدیر است؟ اصلاً بالاتر از مدیر نیست. هر چه هم بچه بلد نیست، آنجا یاد می‌گیرد. اصولاً اعتقاد ندارم مسائل دانش‌آموزی به کلانتری و دادگاه کشیده شود. اثرات وحشتناک سوئی دارد.

• اگر دانش‌آموز معتاد باشد چه کار باید کرد؟

○ جورابچی: دو حالت دارد. اول باید دید دانش‌آموز خودش معتاد است یا ریشه در خانواده دارد؟ اگر از خانواده است، دست به دانش‌آموز نزنید. خیلی سریع عذرش را از مدرسه بخواهید. برای اخراج اصلاً کلمه معتاد را به کار نگیرید. بگویید با این دانش‌آموز سازگار نیستیم. ولی اگر خود دانش‌آموز معتاد بود، با خانواده کار کنید.

• شما در آسیب‌های اجتماعی اصل را خانواده می‌دانید؟

○ جورابچی: بله. شما هر چه بریسید، آن‌ها پنبه می‌کنند. اگر خانواده با شما همراه نباشد، جوان به بمب ساعتی تبدیل می‌شود. معنی همراهی، همراهی و هم‌اعتقاد بودن نیست. معنای آن این است که خانواده هم مثل شما دلش بخواهد فرزندش اصلاح شود. جورابچی: از قید یک شهریه می‌گذرم تا مدرسه سلامت باشد. مدیر در قبال فرد و جمع دانش‌آموزان تعهد دارد. گاهی یک نفر باعث آلوده شدن همه می‌شود.

• برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی اصل هماهنگی خانواده است.

○ جورابچی: وقتی خانواده‌ای همراه نباشد، شما نمی‌توانید کاسه داغ‌تر از آتش باشید.

• شما برای ثبت‌نام بچه‌ها با خانواده‌ها مصاحبه می‌کردید؟

○ جورابچی: حتماً. خیلی فایده دارد. خیلی چیزها از دهانشان خارج می‌شود. نگفتند ما متارکه کرده‌ایم، ولی وقتی دعوتشان کردیم، یکی از والدین نمی‌آمد. می‌گفتم باید هر دو والد باشند. در مدیریت دو چیز نباید داشته باشید؛ دل‌درد و رودربایستی. تا بتوانید با خانواده و جوان به راحتی، مفصل و صمیمی و جدی حرف بزنید.

• شما از تنبیه فیزیکی هم استفاده می‌کردید؟ در چه مواردی؟

○ جورابچی: خیلی کم تنبیه می‌کنم. باید موقعیت آن پیش بیاید.

• در چه مواردی مجبور به تنبیه می‌شوید؟

○ **جوابچی:** مواردی که آموزش داده‌ام، ولی جواب نداده است. تعهد هم نمی‌گیرم. به تذکر معاون و معلمان کاری ندارم. به‌شخصه سه بار یا پنج‌بار تذکر داده‌ام. مثلاً گفتم تقاضا می‌کنم بیرون سیگار نکشید، اگر گوش نکردند، از تنبیه استفاده می‌کنم و جواب هم می‌دهد. حرفی که از دل برآید، لاجرم بر دل نشیند. شما سیگاری نباش، به بچه مردم بگویید نکشد، نمی‌کشد.

- **حاج آقا اگر بفهمیم بچه‌ای در مواد مخدر دست دارد و خانواده هم از پس آن بر نمی‌آیند، چه کار باید کرد؟**
- **جوابچی:** اخراج. به بچه مردم آسیب می‌رساند.

● در کدامیک از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموز را اخراج می‌کردید؟

○ **جوابچی:** وقتی دزدی می‌شد و بچه اعتراف نمی‌کرد، باید اخراج می‌شد. دزدی کرده و نادم نیست، با اسنادی که شمارو کرده اید مقاومت می‌کند، نگهداری این نوع بچه‌ها خطرناک است. خانواده از دزدی بچه اطلاع دارد و از بچه حمایت می‌کند. شاید باور نکنید، یکی دیگر از آسیب‌های اجتماعی غیبت از مدرسه است. خیلی از غیبت‌ها ریشه در مشغولیت جسم و فیزیک نوجوان در خلوت دارد. اولین کاری که می‌کنید، به والدین تلفن بزنید. آسیب‌های اجتماعی با غیبت ارتباط مستقیمی دارند. دانش‌آموزی داشتم، مادرش روان‌شناس دانشگاه شهید بهشتی بود. به دلایل خاصی برای غیبت دانش‌آموزان خودم به والدین زنگ می‌زنم. مدرسه من فوق‌العاده کم‌غیبت است. به این خانم در دانشگاه زنگ زدم. گفتم پسران غیبت می‌کند. گفت از من اجازه گرفته و خانه ... است. الان می‌آید. من گفتم این ساعت تا این ساعت این بچه تحت اختیار من است. ببینید من چه حوصله‌ای دارم. مدیر این است، نه اینکه از خودم تعریف کنم. یک بقالی بود در محل خانه این دانش‌آموز. به بقال گفتم علی مدرسه نیامده است، می‌دانی الان کجاست؟ خلاصه اینکه علی با کلفت خانه تنها در خانه بودند و ... از علی پرسیدم، گفت حاج آقا من برای تخلف وقت کم دارم و ... به مادر استاد دانشگاه گفتم پسر اخراج است. بچه‌های دیگر را آلوده می‌کند. اگر من او را اخراج کنم، هیچ مدرسه دیگری ثبت‌نامش نمی‌کند، چون خان آخر، مدرسه من است که آمده‌اند تا آدم شوند. در این قصه با این پسر هیچ مشکلی نداشتم. درست شد. چون خانواده قبول کردند و با مدرسه هماهنگ شدند. در بوق و کرنا هم نکردم.

زنگ تفریح همه کلاس‌ها باید خالی می‌شدند. وارد کلاسی شدم، دیدم شش دانش‌آموز سخت در حال ورق‌زدن مجله غیراخلاقی هستند. چند دقیقه‌ای ایستادم و با آن‌ها نگاه کردم. یک‌دفعه متوجه حضور من شدند. از ترس داشتند سکنه می‌کردند. فقط مجله را گرفتم و گذاشتم زیرکتم و از کلاس خارج شدم. به واقع داشتند قبض روح می‌شدند. چند روز آن‌ها را با تکلیف نگه داشتم. سردرگم بودند که من می‌خواهم با آن‌ها چه کار کنم! بالاخره یکی از آن‌ها آمد گفت حاج آقا تکلیف ما را روشن کنید. مریدم از بس انتظار کشیدیم که چه تنبیهی برای ما قرار می‌دهید. جواب نمی‌دادم. می‌گفتم حالا برو جلوی چشم من نباش. بعد از پنج روز سردرگمی، البته می‌دانستم مجله را کدامشان آورده بود، گفتم پدرش بیاید و ...

● اگر بعضی از بچه‌ها خشن، زورگیر زورگو باشند، چه کار باید کرد؟

○ **جوابچی:** همان خشنی را رویشان پیاده کنید، ببینند خوب است؟ اگر بد صحبت می‌کند، شما هم بد صحبت کنید. مشکل دارند. اگر بتوانید مشکل را کالبدشکافی کنید، مشکل حل می‌شود. با اخراج کردن کار درست نمی‌شود.

● موردی داشتید که دانش‌آموزان در داخل یا دسته‌جمعی بیرون نزاع کنند؟

○ **جوابچی:** در مدرسه اصلاً، ولی بیرون یکی دو مورد داشتیم. اگر آسیبی بزنند، پیگیر می‌شوم، ولی اگر سبک بود، به روی خودتان نیاورید. در یکی از صحبت‌ها خیلی ظریف بگویید من می‌دانم. قبل از اقدام به هر کاری اول مطالعه کنید. یعنی وقتی می‌خواهید به مسئله‌ای اجتماعی یا روانی ورود کنید، مطالعه تخصصی داشته باشید. می‌توانید مورد خاص را دقیق بررسی کنید. اگر جوانی درگیر نزاع دسته‌جمعی شد، لازم است حتماً بفهمید چرا او به این مرحله رسیده است؟ این پدیده بین اتباع زیاد است و بررسی کارشناسانه آن خیلی سخت است، چون ما شناخت کاملی از آن‌ها نداریم.

یک روز دروازه‌های مدرسه را دزدیدند. کمی تحقیق کردم، دیدم چند وقت پیش دبیر ورزش با بچه‌ها بد رفتار کرده است. سر صف گفتم، آقایان دروازه را بردید، هیچ اشکالی ندارد، سرایدار را سه هزار تومان جریمه می‌کنم (سال ۱۳۷۷). رفتم خانه. موقع افطار در خانه را زدند. باز کردم، دیدم دو جوان دم در ایستاده‌اند. گفتند تیر دروازه‌ها را ما دزدیدیم. بردمشان منزل تا اول افطار کنند و بعد درباره دزدی صحبت کنیم. شش‌ونیم صبح از روی دیوار دروازه‌ها را آوردند سر جای خود گذاشتند و گفتند ما می‌خواستیم به دبیر ورزش آسیب بزنیم تا از حقوقش کم کنند. وقتی دیدیم می‌خواهید از حقوق سرایدار کم کنید، جلو آمدیم. از نظر امنیتی در مدرسه را اصلاً نبندید، در محیط آموزشی نباید بسته باشد. همچنین، در دفتر مدیر هم نباید بسته باشد. مدیر باید شجاعت داشته باشد و در مدرسه پسرانه را باز بگذارد. آن‌قدر باید محبوب باشید که جوان‌ها نخواهند از شما جدا شوند. قوانینتان را هم به رسمیت بشناسند. بچه‌ها می‌دانستند اگر یکی بدون اجازه برود، اگر از مدرسه خارج شود، دیگر حق برگشتن به مدرسه را ندارد.

یک روزی علی نامی بدون اجازه از مدرسه خارج شد. من متوجه شدم. شب رفتم در منزلشان. اهل کرمان بودند. مادر و پدر کرمانی بودند. بسیار خانواده خوبی بودند. صدای مرا می‌شناختند. پدر علی گفت علی برو جلوی در، حاج‌آقا آمده‌اند. می‌خواهند تو را بزنند. یعنی خود پدر مجوز زدن را داد. علی آمد سلام کرد. جواب سلام را دادم. گفتم چرا از مدرسه فرار کردی؟ گفت دلم درد می‌کرد. گفتم چرا اجازه نگرفتی؟ اگر اجازه نمی‌دادند، بعد فرار می‌کردی. خلاصه اینکه یک هفته بچه را مدرسه راه ندادم. بعد از یک هفته با شیرینی آمد و عذرخواهی کرد و سر کلاس رفت. باید عاشق بچه‌ها باشید تا دوام بیاورید.

• در حال حاضر با این شرایط بچه‌های زیادی در مدرسه به مشاور نیاز دارند. چه کار باید کرد؟

خ اگر خودتان نتوانستید مسئله را حل کنید، حتماً از مشاوران تحصیل‌کرده این رشته استفاده کنید. اگر شده از بودجه خودتان